



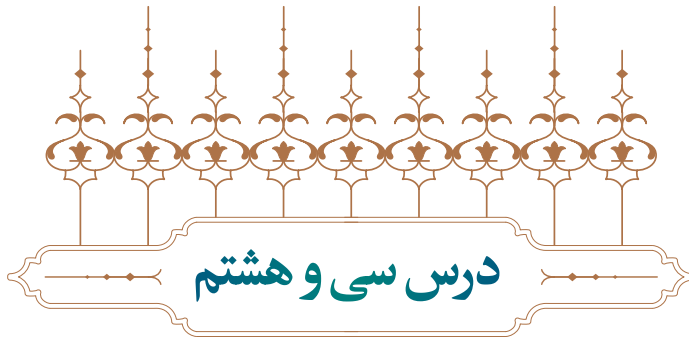
پاسخنامه

# صرف متوسط



باب اسم

حمید محمدی



## درس سی و هشتم

### پرسش میانه

به نظر شما کلمه مَدْعُو (اسم مفعول از ماده «دعو» در باب فَعَلَ يَفْعُلُ) به لحاظ حرف آخر جزء کدام یک از اقسام پنج‌گانه ذکر شده در تقسیم پنجم می‌باشد؟

### پاسخ

کلمه «مَدْعُو» به لحاظ حرف آخر، اسم شبه صحیح می‌باشد، زیرا این کلمه در اصل، «مَدْعُوو» بوده و پس از ادغام به صورت «مَدْعُو» درآمده است و همانطور که مشاهده می‌شود آخر این کلمه به واوی ختم شده است که ما قبل آن نیز ساکن است (ما قبل آن واو، یک واو دیگر که ساکن است قرار گرفته است) پس تعریف اسم شبه صحیح بر آن صدق می‌نماید.

### پرسش و تمرین

الف) به پرسش‌های ذیل پاسخ دهید.

- تعریف اسم و فرق آن با فعل و حرف: اسم، کلمه‌ای است که بر معنای مستقلاً دلالت کند و آن معنا با یکی از زمان‌های سه‌گانه همراه نباشد.  
فرق اسم با فعل: اسم با یکی از زمان‌های سه‌گانه همراه نیست برخلاف فعل. فرق اسم با حرف: اسم بر معنای مستقل دلالت می‌کند برخلاف حرف.
- تقسیمات متعدد اسم: ۱. ثلاثی، رباعی و خماسی؛ ۲. مصدر و غیرمصدر؛ ۳. جامد و مشتق؛ ۴. مذکر و مؤنث؛ ۵. مقصور، ممدود، منقوص، صحیح و شبه صحیح؛ ۶. مفرد، مثنی و جمع؛ ۷. مصغّر و مکبّر؛ ۸. منسوب و غیرمنسوب؛ ۹. سالم و ناسالم؛ ۱۰. معرفه و نکره؛ ۱۱. معرب و مبنی.
- به اسمی که از فعل گرفته شده باشد، چه می‌گویند؟ به اسمی که از فعل گرفته شده باشد، مشتق می‌گویند.
- تفاوت اسم مقصور و اسم ممدود: اسم مقصور، حرف آخر آن، الف (ی، ا) است؛ ولی اسم ممدود حرف آخر آن همزه‌ای است که قبل از آن، الف زاید وجود دارد.
- در اصطلاح به کلماتی مانند «رُجَيْل» و «دُرَيْهَم» چه می‌گویند؟ به کلمات «رُجَيْل» و «دُرَيْهَم»، اسم مصغّر می‌گویند.

۶. اسم منسوب: منسوب، اسمی است که به آخرش یاء نسبت (ی) افزوده می‌شود تا بر انتساب صاحب آن، به چیزی یا شخصی و یا مکانی و یا... دلالت کند؛ مانند: اِسْلَامِيّ

۷. آیا تمام قواعد جاری در فعل، در اسم نیز پیاده می‌شوند؟ توضیح دهید. خیر، فقط قواعد مربوط به افعال غیرسالَم - اعم از تخفیف همزه، ادغام و اعلال - اگر در متن آنها، قید یا خصوصیتی لحاظ نشده باشد که آنها را مختص به فعل کند، در اسم نیز جاری می‌شود.

۸. فرق میان معرفه و نکره: معرفه، اسمی است که بر فرد معین و مشخصی دلالت می‌کند؛ ولی نکره، اسمی است که بر فرد معین و مشخصی دلالت نمی‌کند.

### مطالعه و پژوهش

■ درباره ریشه واژه «اسم» و احتمالات آن تحقیق کنید و دلیل نام‌گذاری این قسم از کلمه به نام «اسم» را ذکر کرده و تقسیمات اسم را با تقسیمات فعل، مقایسه و وجوه اشتراک و افتراق آنها را بنویسید.

■ منبع مطالعه و پژوهش:

قاموس‌ها و لغت‌نامه‌های معتبر عربی همچون:  
العین: الخلیل فراهیدی؛ المصباح المنیر: فتویمی؛  
قاموس المحيط: فیروزآبادی؛ المنجد: لوئیس معلوف.  
آموزش پیشرفته دانش صرف: عبدالرسول کشمیری

### پاسخ

برخی کلمه «اسم» را از ماده «سمو» می‌دانند، در القاموس المحيط ذیل ماده «سمو» آمده است: سَمَا سُمُوًّا: اِرْتَفَعَ همچنان در ذیل همان ماده آمده است: اُسْمُ الشَّيْءِ: بِالْكَسْرِ وَالضَّمِّ..... علامته در کتاب «الهدایة فی التَّحْو» آمده است: وَ يُسَمَّى اسْمًا لِسُمُوِّهِ عَلَى قَسِيمِيهِ (یعنی اسم به این نام، نامیده شده است زیرا بر دو قسیم دیگر خود یعنی فعل و حرف برتری دارد) در پاورقی کتاب در توضیح این برتری اینگونه آورده شده است:

«لِشَرْفِ اِسْمِ عَلَيْهِمَا بِاسْتِغْنَائِهِ عَنْهُمَا لِقَبُولِهِ اِلِسْنَادَ بِطَرْفِيهِ كَمَا مَرَّ وَ اِحْتِيَاجِهِمَا اِلَيْهِ»

خلاصه مطلب این است که کلام می‌تواند از دو اسم تشکیل شود، مانند: «زَيْدٌ قَائِمٌ» ولی از دو فعل یا دو حرف

تشکیل نمی‌شود. (جامع المقدمات با حاشیه مدرس، الهدایة فی التَّحْو، ج ۲، ص ۶۰، قسمت متن و پا ورقی)

برخی دیگر کلمه «اسم» را از ماده «وسم» می‌دانند، در القاموس المحيط آمده است: اَلْوَسْمُ: اَثْرُ الْكَيِّْ يَعْنِي اَثْرِي كِه از داغ کردن (با آهن و مانند آن) در پوست باقی می‌ماند. در جامع المقدمات با حاشیه مدرس، کتاب الهدایة فی التَّحْو، به همان آدرسی که قبلاً ذکر شد در پا ورقی کتاب، قول به مأخوذ بودن اسم از «وسم» را به کوفیین نسبت داده است (دلیل آنها این است که اسم علامت و نشانه‌ای برای شناخت مسمای خود است همانطور که پوست حیواناتی مثل گوسفند را به منظور شناختن و تمییز آنها از یکدیگر داغ می‌نهند) و قول دیگر را (مأخوذ بودن اسم از «سمو») به بصریین نسبت داده است).



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

# درس سی و نهم

## پرسش میانه

به نظر شما فایده دانستن حروف محذوف کلمه چیست؟

آیا این حروف هیچ‌گاه در کلمه ظاهر نمی‌شوند؟

## پاسخ

حروف محذوف از کلمه گاهی خود را در کلمه نشان می‌دهند، مانند بازگشت حرف محذوف در برخی از اسم‌ها در هنگام جمع مکسر یا در هنگام تصغیر یا نسبت، پس شناختن حروف محذوف از کلمه از این جهت ضرورت دارد که معلوم شود در هنگام بازگشت آنها چه حرفی باید بازگردد.

## پرسش و تمرین

الف) به پرسش‌های ذیل پاسخ دهید.

- آیا اسم ثلاثی مجرد می‌تواند در چند وزن مختلف به کار رود؟ مثال بزنید. برخی از اسم‌های ثلاثی مجرد، علاوه بر وزن اصلی خود، بر یک یا چند وزن دیگر از وزن‌های ده‌گانه نیز استعمال شده‌اند؛ مانند: فَخَذَ، فِخَذَ، فِخَذَ. علاوه بر وزن اصلی خود، بر یک یا چند وزن دیگر از وزن‌های ده‌گانه نیز استعمال شده‌اند؛ مانند: فَخَذَ، فِخَذَ، فِخَذَ.
- آیا در عربی اسم دو حرفی وجود دارد؟ توضیح دهید. اسم‌هایی که در اصل وضع، یک یا دو حرف دارند بسیار اندک‌اند. این گروه جزء مبنیات هستند و به خاطر عدم تغییر، از مباحث اصلی علم صرف خارج‌اند؛ مانند: هَ، تَ، نَأَ، هُوَ، مَنْ.

۳. اصل کلمات ذیل را بنویسید.

کلمه	أَب	أَخ	إِبْن	إِسْم	يَد	فَم
اصل	أَبُو	أَخُو	بَنُو	سَمُو	يَدِي	فَوْه

- راه شناخت حرف محذوف و حرف جایگزین، در اسم‌هایی که حرفی از آنها حذف شده چیست؟ برای شناخت حرف محذوف و حرف جایگزین، باید به معجم‌های لغوی مراجعه کرد؛ زیرا این امر سمعی است و از قاعده مشخصی تبعیت نمی‌کند.

ب در اسم‌های ذیل، ثلاثی، رباعی و خماسی را مشخص و تعیین کنید که مجردند یا مزید، وزن و ترجمه آنها را بنویسید.

اسم	ثلاثی، رباعی، خماسی	مجرد، مزید	وزن	ترجمه
سَهْل	ثلاثی	مجرد	فَعْل	آسان
كُتِبَ	ثلاثی	مجرد	فُعِل	کتاب‌ها
زِنَجْفَر	خماسی	مجرد	فِعْلَل	ماده معدنی که برای جلوگیری از زنگ زدگی آهن استفاده می‌شود.
سَلَسِل	رباعی	مزید	فَعَالِل	زنجیرها
عَدِير	ثلاثی	مزید	فَعِيل	رودخانه، آبگیر
صَمْصَم	رباعی	مزید	فَعَالَل	شمشیر برنده
جَوْهَر	رباعی	مجرد	فَعْلَل	وجود
رَجُل	ثلاثی	مجرد	فَعْل	مرد
خَنْدَرِيس	خماسی	مزید	فَعْلِيل	شراب کهنه
شَجَر	ثلاثی	مجرد	فَعْل	درخت
تَعْلَب	رباعی	مجرد	فَعْلَل	روباہ
عُصْفُور	رباعی	مزید	فُعْلُول	گنجشک
اِسْتِخْرَاج	ثلاثی	مزید	اِسْتِخْرَاج	خارج کردن
هُدْهُد	رباعی	مجرد	فُعْلَل	نام پرنده ای
سِكِّين	ثلاثی	مزید	فِعِيل	چاقو
زُنْبُور	رباعی	مزید	فُعْلُول	زنبورها
سِنَان	ثلاثی	مجرد	فِعَال	سرنیزه
صَرْعَام	رباعی	مزید	فَعَالَل	شیر
صَحِيفَة	ثلاثی	مزید	فَعِيلَة	نوشته
يَاقُوت	ثلاثی	مزید	فَاعُول	نوعی سنگ معدنی
سَفْرَجَل	خماسی	مجرد	فَعْلَلَل	درخت به



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانسی و  
مطالعه و  
پژوهش

## مطالعه و پژوهش

■ با مراجعه به معاجم لغوی بررسی کنید که ماده «حمر» و «کتب» در کدام یک از اوزان اسم ثلاثی مجرد به کار رفته‌اند و در هر یک از آن اوزان، دارای چه معنایی می‌باشند؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

المنجد: لوئیس معلوف؛ ترجمه محمد بندریگی، ماده «حمر»

المصباح المنیر: فیومی.

## پاسخ

ماده «حمر» در وزن های زیر در اسم ثلاثی مجرد به کار رفته است:

۱. فَعَلَ (حَمَرَ): به عنوان مصدر برای «حَمَرَ يَحْمُرُ» به معنای «کندن» و «تراشیدن».

در المنجد آمده است: حَمَرَ الْجِلْدَ: پوست را کند. و حَمَرَ الرَّأْسَ: سر را تراشید.

۲. فَعَلَ (حَمَرَ): به عنوان مصدر برای «حَمَرَ يَحْمُرُ» به معنای «دچار سوء هاضمه شدن یا بد بو شدن دهان» و «آتش گرفتن از شدت خشم».

در المنجد آمده است: حَمَرَ الْفَرْشَ: اسب دچار سوء هاضمه شد یا دهانش بد بو شد.

حَمَرَ الرَّجُلُ: آن مرد از شدت خشم آتش گرفت.

۳. فُعَلَ (حُمَرَ): اسم به معنای نوعی قیر که عاومه آن را «حُمَر» می‌گویند.

۴. فُعَلَ (حُمَرَ): به عنوان جمع مکسر برای «أَحْمَر» که به معنای شیء قرمز (برای مذکر) است.

ماده «کتب» در وزن های زیر در اسم ثلاثی مجرد به کار رفته است:

۱. فَعَلَ (كَتَبَ): به عنوان مصدر برای «كَتَبَ يَكْتُبُ» به معنای «نوشتن».

۲. فُعَلَ (كُتِبَ): به عنوان جمع مکسر برای «کتاب» به معنای «آنچه در آن نوشته شود، نوشته شده، نامه، حکم، ...».

۳. فُعَلَ (كُتِبَ): به عنوان جمع مکسر برای «کتاب» به معنای «آنچه در آن نوشته شود، نوشته شده، نامه، حکم، ...».



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

# درس چهارم

## پرسش میانه ۱

برای مورد پنجم از موارد وزن های غالبی مصدر فعل های ثلاثی مجرد،

آیا می توانید مثال نقضی پیدا کنید؟

### پاسخ

مثال نقض برای مصدر بر وزن «فُعُول» از فعل های لازم بر وزن «فَعَلَّ»:

صَبَرَ يَصْبِرُ صَبْرًا: پایداری کردن، خود داری کردن، ضامن شدن.

## پرسش میانه ۲

به نظر شما چرا در نکته دوم اعلالی، شرط قلب «واو» به «یاء» در مصدر،

اعلال شدن آن در ماضی همان مصدر قرار داده شد؟

### پاسخ

در کتاب جامع المقدمات با حاشیه مدرس، شرح التصریف، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۶، آمده است:

فَإِنَّ الْكُوفِيَّيْنَ يَجْعَلُونَ الْمَصْدَرَ مُشْتَقًّا مِنَ الْفِعْلِ فَالْأَصْلُ الْوَاحِدُ عِنْدَهُمْ هُوَ الْفِعْلُ وَالْعَمْدَةُ فِي اسْتِدْلَالِهِمْ أَنَّ الْمَصْدَرَ يُعْلَلُ بِاعْتِدَالِ الْفِعْلِ وَأُجِيبَ عَنْهُ بِأَنَّهُ لَا يَلْزَمُ مِنْ فِرْعَوْنِيَّةِ فِي الْإِعْلَالِ فِرْعَوْنِيَّةِ فِي الْإِشْتِقَاقِ.

حاصل مطلب این است که کوفیون دلیل اشتقاق مصدر از فعل را این می دانند که مصدر در اعلال تابع فعل است یعنی تا حرفی در فعلی اعلال نشود در مصدر آن فعل نیز اعلال نمی شود و در پاسخی که از این استدلال داده شده، ملازمه بین فرعیّت در اشتقاق و فرعیّت در اعلال نفی شده است نه اصل فرعیّت مصدر در اعلال نسبت به فعل، پس گویا این فرعیّت، امری مسلّم بین کوفیین و دیگران است و به همین دلیل نیز در نکته دوم اعلالی گفته شد که ابتدا باید حرف «واو» در فعل ماضی اعلال شده باشد تا بتوان قاعده اعلال اسمی را در مصدر آن فعل اجرا نمود.

### پرسش میانه ۳

مصدر میمی فعل «اسوآد» به معنای «سیاه شد» چگونه است و ترجمه آن چیست؟

### پاسخ

فعل «اسوآد» فعل ماضی ثلاثی مزید باب «افعیلال» است و لذا مصدر میمی آن بر وزن اسم مفعول آن است که میشود «مُسوآد» که پس از ادغام به صورت «مُسوآد» نوشته و خوانده می شود به معنای «سیاه شدن».

### پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

۱. تعریف حدث: حَدَث، واقع شدن کار یا پدید آمدن حالت را می گویند.

۲. اقسام مصدر: مصدر اصلی، مصدر میمی، مصدر مژه، مصدر نوعی، مصدر صناعی.

۳. کدام یک از اوزان مصادر ذیل سماعی هستند؟

وزن	استفعال	فُعْلَة	فُعَال	تَفْعِلَة	فَعِيل	انفعال
سماعی		سماعی	سماعی		سماعی	

۴. مثال های جدیدی برای وزن های مصادر ذیل بنویسید.

وزن	مثال
فِعَالَة	تِجَارَة. اِمَارَة. دِرَايَة
فُعُول	فُعُود. رُكُوع. سُجُود
فَعَالَة	كِرَامَة. زَهَادَة
فَعَل	نَصْر. سَمْع

۵. مصدر میمی فعل های ذیل را بنویسید.

فعل	نَصْرٌ	رَمَى	اِسْتَرْحَمَ	وَرَدَ	أَوَى
مصدر میمی	مَنْصَر	مَرْمَى	مُسْتَرْحَم	مَوْرَد	مَأْوَى



فعل	وَضَعَ-	وَعَى-	مَاتَ ُ	اِعْتَقَدَ
مصدر میمی	مَوْضِع	مَوْعَى	مَمَات	مُعْتَقَد

۶. از افعال ذیل، مصدر مره و نوعی بسازید.

فعل	نَفَخَ	أَخَذَ	دَخَرَجَ	صَاحَ	نَامَ	أَدْخَلَ
مصدر مره	نَفَخَة	أَخْذَة	دَخْرَجَة	صَيْحَة	نَوْمَة	إِدْخَالَة
مصدر نوعی	نِفْخَة	إِخْذَة	دَخْرَجَة	صَيْحَة	نَيْمَة	إِدْخَال

۷. مصدر افعال قرآنی ذیل را بنویسید.

فعل	مصدر	فعل	مصدر
خَاطَبَ	مُخَاطَبَة	اِهْتَدَى	اِهْتِدَاي
سَأَلَ	سُؤَال	ظَهَرَ	مُظَهَّر
سَرَقَ	سَرِقَة	دَمَدَمَ	دَمْدَمَة
زُحِرِحَ	مُزْحِح	أُسْتَهْرِي	اِسْتِهْرَاء
اِسْتَمَعَ	اِسْتِمَاع		

ب) با دقت در آیات و روایات کتاب، نوع مصدر (اصلی، میمی، مره و نوعی) را مشخص کنید.

مصدر	نوع مصدر	مصدر	نوع مصدر	مصدر	نوع مصدر
مَطَّلَع	مصدر میمی	نَظَرَة	مصدر اصلی	حَمْد	مصدر اصلی
مَجْرَى	مصدر میمی	صِبْغَة	مصدر نوعی	عَزَّ	مصدر اصلی
مُرْسَى	مصدر میمی	دِكْر	مصدر اصلی	نَجَاة	مصدر اصلی
رَأْفَة	مصدر اصلی	شَرْف	مصدر اصلی	تَذَكِرَة	مصدر اصلی
رَحْمَة	مصدر اصلی	شُكْر	مصدر اصلی	رَحْمَة	مصدر اصلی
اِفْتِرَاء	مصدر اصلی	فَوْز	مصدر اصلی		



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

## مطالعه و پژوهش

■ درباره مصدر مؤول و کیفیت تأویل به مصدر، تحقیق کنید.

■ منبع مطالعه و پژوهش:

بداة النحو، المقصد الثامن، الأدوة، شماره ۷، ص ۳۱۱-۳۱۲

### پاسخ

مصدر مؤول مصدری است که از یک جمله اسمیّه و یا فعلیّه که در صدر آن یکی از حروف مصدری (آن، اَنَّ، لَو، کَی، ما) آمده است تشکیل شده و با آن معامله اسم مفرد می شود.

کیفیت تأویل به مصدر با «آن»: مصدر فعل را گرفته و به مرفوع آن فعل اضافه می کنیم، مانند:

بَلَّغْنِي أَنْ ضَرَبَ زَيْدٌ عَمْرًا      یعنی      بَلَّغْنِي ضَرْبَ زَيْدٍ عَمْرًا

کیفیت تأویل به مصدر با «اَنَّ»: مصدر خبر را به اسم «اَنَّ» اضافه می کنیم، مانند:

بَلَّغْنِي أَنَّ زَيْدًا عَالِمٌ      یعنی      بَلَّغْنِي عِلْمَ زَيْدٍ

کیفیت تأویل به مصدر با «لَو، کَی و ما» (البته در صورتی که «ما» بر سر جمله فعلیّه درآید): مصدر فعل را گرفته و به مرفوع آن فعل اضافه می کنیم، مانند:

يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرُ أَلْفَ سَنَةٍ (بقره، ۹۶)      یعنی      يَوَدُّ أَحَدُهُمْ تَعْمِيرَ أَلْفِ سَنَةٍ  
جِئْتُ لِكَيْ أَكْرِمَكَ      یعنی      جِئْتُ لِإِكْرَامِي إِيَّاكَ  
ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبَتْ (توبه، ۱۱۸)      یعنی      ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا

اگر «ما» بر سر جمله اسمیّه درآید مصدر خبر را گرفته و به مبتدا اضافه می کنیم، مانند:

عَجِبْتُ مِمَّا زَيْدٌ قَائِمٌ      یعنی      عَجِبْتُ مِنْ قِيَامِ زَيْدٍ



# درس چهل و یکم

## پرسش میانه ۱

به نظر شما آیا کلمه «ایرانیّه» در عبارت «رأيتُ امرأةً إيرانيّةً» مصدر است؟ چرا؟

### پاسخ

کلمه «ایرانیّه» در عبارت «رأيتُ امرأةً إيرانيّةً» نمی تواند مصدر باشد زیرا در این صورت ترجمه این عبارت این گونه می شود:  
«زنی ایرانی بودن را دیدم» که ترجمه نادرستی است و لذا باید بگوییم که «ایرانیّه» اسم منسوبی است که به خاطر مؤنث بودن موصوفش تاء تأنیث گرفته است.

## پرسش میانه ۲

به نظر شما از بین مصدر صناعی، مصدر معلوم، مصدر مجهول، مصدر وصفی و اسم مصدر کدام یک در غیر معنای حقیقی خود (معنای مجازی) به کار رفته است؟

### پاسخ

در بین مصادر ذکر شده در این پرسش، تنها مصدر وصفی در معنای مجازی به کار رفته است و علقه بین معنای حقیقی و مجازی در آن، علقه اشتقاق است که از علقه های مجاز مرسل است که در علم بیان مطرح شده است، الا این که بگوییم مصادر وصفی به وضع ثانوی، مجدداً برای معنای مصدری وضع شده اند که در این صورت این مصادر مشترک لفظی بوده و در معنای حقیقی خود به کار رفته اند.

## پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

۱. فرق مصدر معلوم و مجهول: مصدر معلوم، برای فعل معلوم می آید و به فاعل نسبت داده می شود؛ اما مصدر مجهول، برای فعل مجهول می آید و به نایب فاعل نسبت داده می شود.

۲. آیا مصدر به معنای اسم مفعول به کار برده می‌شود؟ گاهی مصدر، به معنای اسم مفعول به کار برده می‌شود؛ مانند: کِتَاب به معنای مَكْتُوب (نوشته شده).

۳. تعریف اسم مصدر: اسم مصدر، اسمی است که بر حاصل و نتیجه مصدر دلالت می‌کند.

فرق اسم مصدر با مصدر: فرق اسم مصدر با مصدر در این است که در مصدر، نظر به انتساب فعل به فاعل است؛ اما در اسم مصدر، نظر به خود فعل است، بدون در نظر گرفتن انتساب به فاعل.

۴. علامت مصدر و اسم مصدر در زبان فارسی: علامت مصدر در زبان فارسی، «دَن» و «تَن» است و علامت اسم مصدر در زبان فارسی، «ش، ه، ی، ار» است.

۵. اسم مصدر در زبان عربی سماعی است یا قیاسی؟ اسم مصدر در زبان عربی، سماعی است و فقط برخی از افعال، اسم مصدر دارند.

۶. از کلمات ذیل، مصدر صناعی بسازید.

رَحْمَان	مَظْلُوم	نَفْس	كَم	كَيْف	کلمه
رَحْمَانِيَّة	مَظْلُومِيَّة	نَفْسِيَّة	كَمِّيَّة	كَيْفِيَّة	مصدر صناعی

در آیات کتاب دقت کنید و مصدر و نوع آن را در جدول ذیل مشخص کنید.

نوع مصدر	مصدر	نوع مصدر	مصدر
مصدر صناعی	جَاهِلِيَّة	مصدر اصلی	نَصْر
مصدر اصلی	ذَكَ	مصدر اصلی	فَتَح
مصدر وصفی	رَسُول	مصدر اصلی	أَكَلَ
مصدر نوعی	عَيْشَة	مصدر اصلی	لَمْ
مصدر وصفی	رَاضِيَّة	مصدر اصلی	حُبَّ
مصدر وصفی	عَالِيَّة	مصدر اصلی	جَمَّ
مصدر اصلی	عِبْرَة	مصدر اصلی	حَقَّ
		مصدر اصلی	ظَنَّ

## مطالعه و پژوهش

■ درباره نظرات مختلف در تعریف اسم مصدر و فرق آن با مصدر تحقیق کنید.

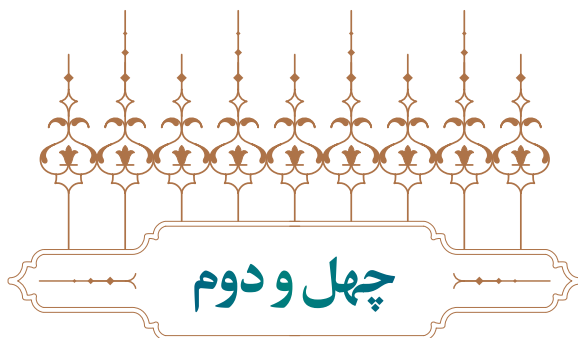
■ منبع مطالعه و پژوهش:

شرح ابن عقیل، ج ۲، ص ۹۸، پاورقی  
النحو الوافی، ج ۳، ص ۱۵۱ تا ص ۱۵۴، پاورقی  
صرف ساده، ویرایش ۱۳۹۳، ص ۲۱۳-۲۱۴، پاورقی

### پاسخ

عده ای قائل به این هستند که اسم مصدر و مصدر به لحاظ معنای یکی می باشند و در مقابل عده ای دیگر معتقدند که اسم مصدر تنها بر لفظ مصدر به طور مستقیم دلالت می کند و دلالت آن بر خود معنای مصدر با واسطه می باشد، مثلاً «عطاء» بر لفظ «إعطاء» دلالت می کند، یعنی بر حروف «إ، ع، ط، ا، ء» بنا بر آنچه از ظاهر عبارت پاورقی کتاب شرح ابن عقیل به همان آدرس مذکور در پژوهش کتاب استفاده می شود، هر دو گروه از این قائلین، معتقدند که مصدر باید تمام حروف اصلی و زائد فعل را دارا باشد، مگر اینکه به یک علت صرفی حرفی از آن حذف شود و عوض از آن محذوف، حرفی آورده شود، مانند: «عِدَّة» و «إِقَامَة» که در اصل، «وَعِد» و «إِقْوَام» بوده اند و گاهی نیز بدون علت صرفی حرفی از مصدر حذف می شود، ولی آن حرف در نیت گرفته می شود، مانند: «قِتَال» (مصدر باب مفاعله) که اصل در آن، «قِیتَال» بوده است و این در حالی است که اسم مصدر بعضی از حروف فعلش را ندارد و آن حرف محذوف در نیت گرفته نشده و عوض از آن نیز حرف دیگری نیامده است، مانند: «أَعْطَى، عَطَاء» و «تَوَصَّأً، وُضوء» و «تَكَلَّمَ، کلام»، در کتاب النحو الوافی نیز همین تعریف از اسم مصدر ارائه شده است.

از کتاب صرف ساده به همان آدرس مذکور در پژوهش کتاب به نقل از دیگران اقسام دیگری نیز برای اسم مصدر ذکر نموده است، مانند: علم جنس (مثل: «سبحان» که علم جنس برای «تسبیح» است)، مصدرهای میمی که بعضی آنها را اسم مصدر پنداشته اند، بعضی از اسم جنس هایی که قبلاً معنای غیر مصدری داشته اند و بعداً به معنای مصدری نقل داده شده اند، مانند: «ثواب» که به معنای آن چیزی است که به عنوان پاداش به عامل می دهند و بعداً به معنای «إِثَابَة» نیز به کار رفته است. در نهایت خود کتاب صرف ساده، قول به حاصل معنای مصدر بودن را در تعریف اسم مصدر بر می گزیند، مانند: «عُسل» که از «اغتسال» حاصل می شود، برای توضیح بیشتر درباره اسم مصدر می توانید به همان منابع مذکور در پژوهش کتاب رجوع نمایید.



### پرسش میانه ۱

آیا کلمه «مختار» از ماده «خیر»، اسم فاعل است یا اسم مفعول؟

#### پاسخ

کلمه «مختار» هم می تواند اسم فاعل باشد و هم اسم مفعول؛ زیرا در هر دو صورت حرف «یا» متحرک به خاطر فتحه ما قبل باید قلب به الف شود:

اسم فاعل: مُخْتَرٍ بعد از اعلال می شود: مُخْتار  
اسم مفعول: مُخْتَرٍ بعد از اعلال می شود: مُخْتار

### پرسش میانه ۲

آیا فرقی از جهت نوع فاعل بین فعل «یَکْتُبُونَ» و اسم فاعل مذکر سالم آن (کَاتِبُونَ) و همچنین بین «یَکْتُبَانِ» و اسم فاعل آن (کَاتِبَانِ) وجود دارد؟

#### پاسخ

فاعل در «یَکْتُبُونَ» و «یَکْتُبَانِ» ضمیر بارز است، در حالی که فاعل در «کَاتِبُونَ» و «کَاتِبَانِ» حتما ضمیر مستتر است و «واو» و «الف» در آنها تنها علامت جمع و تثنیه است نه ضمیر فاعلی.

### پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

۱. تعریف جامد و مشتق: اسم جامد، اسمی است که از فعل گرفته نشده باشد. اسم مشتق، اسمی است که از فعل گرفته شده باشد.

۲. اقسام اسم مشتق: اسم مشتق هشت قسم است: اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم مکان، اسم زمان، اسم ابزار.

۳. اسم فاعل فعل های ذیل را با ذکر ترجمه آنها، بنویسید.

فعل	اسم فاعل	ترجمه	فعل	اسم فاعل	ترجمه
حَفِظَ	حَافِظًا	نگهبان	بَاحَثَ	مُبَاحِثًا	بحث کننده
أَصْلَحَ	مُصْلِحًا	اصلاح کننده	اسْتَكْبَرَ	مُسْتَكْبِرًا	تکبر کننده
صَدَّقَ	مُصَدِّقًا	تصدیق کننده	تَرَلَزَلَ	مُتَرَلِّزًا	ناپایدار، لرزنده
اسْتَمَعَ	مُسْتَمِعًا	شنونده	اتَّخَذَ	مُتَّخِذًا	گیرنده

۴. آیا اسم فاعل مانند فعل معلوم دارای فاعل است؟ بله، اسم فاعل، مانند فعل معلوم، دارای فاعل است که آن فاعل یا اسم ظاهر است؛ مانند: أَكَاتِبُ سَعِيدٌ؟، یا ضمیر بارز است؛ مانند: أَرَاغِبُ أَنْتَ؟، یا ضمیر مستتر است؛ مانند: مَا الطُّلَابُ كَاتِبِينَ.

۵. شش صیغه اسم فاعل فعل های «عَلِمَ» و «اسْتَفْهَمَ» را صرف کنید.

عَلِمَ    عَلِمَ    عَلِمَانِ    عَلِمَانِ    عَلِمُونَ    عَلِمَتَانِ    عَلِمَاتٍ

اسْتَفْهَمَ    اسْتَفْهَمَ    اسْتَفْهَمَانِ    اسْتَفْهَمَانِ    اسْتَفْهَمُونَ    اسْتَفْهَمَتَانِ    اسْتَفْهَمَاتٍ

۶. مصدرهای ذیل را به اسم فاعل تبدیل کنید.

مصدر	اسم فاعل	مصدر	اسم فاعل
خَلَقَ الْإِنْسَانَ	خَالِقُ الْإِنْسَانِ	تَعَدَّدَ الْمَرَايَا	مُتَعَدِّدُ الْمَرَايَا
طَلَبَ الْعِلْمَ	طَالِبُ الْعِلْمِ	إِيْبِضَّضَ الْوُجْهَ	مُْبِيْضُ الْوُجْهَ
إِكْرَامُ الصَّيْفِ	مُكْرِمُ الصَّيْفِ	إِسْمِئْرَازُ الْقَلْبِ	مُسْمِئِرُ الْقَلْبِ
اسْتِخْرَاجُ الْمَعْدِنِ	مُسْتَخْرِجُ الْمَعْدِنِ	إِطْمِئِنَانُ النَّفْسِ	مُطْمِئِنُ النَّفْسِ
مُعَاقِبَةُ الْمُنْذِبِ	مُعَاقِبُ الْمُنْذِبِ		



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

ب با دقت در آیات و روایات کتاب، اسم فاعل را تعیین کنید و وزن، ریشه، باب و صیغه آنها را بنویسید.

صیغه	باب	ریشه	وزن	اسم فاعل
جمع مذکر	إِفعال	ح س ن	مُفْعِلِينَ	المُحْسِنِينَ
جمع مذکر	فَعَلٍ-	ح ف ظ	فَاعِلِينَ	حَافِظِينَ
جمع مذکر	فَعَلٌ-	ک ت ب	فَاعِلِينَ	کَاتِبِينَ
مثنی مذکر	فَعِلٍ-	ص ح ب	فَاعِلَى	صَاحِبِي
جمع مذکر	تَفَعَّلَ	ف ر ق	مُتَفَعِّلُونَ	مُتَفَرِّقُونَ
مفرد مذکر	فَعَلٍ-	و ح د	الْفَاعِلِ	الْوَاحِدُ
جمع مذکر	مفاعله	ن ف ق	الْمُفَاعِلِينَ	الْمُتَأَفِّقِينَ
جمع مذکر	فَعَلٌ-	ف س ق	الْفَاعِلُونَ	الْفَاسِقُونَ
مفرد مذکر	فَعَلٌ-	ط ر د	فَاعِلٍ	طَارِدًا
مفرد مذکر	فَعَلٍ-	ج ل ب	فَاعِلٍ	جَالِبًا
مفرد مذکر	إِفعال	ن ک ر	مُفْعِلٍ	مُنْكَرٌ
مفرد مذکر	تفعیل	غ ی ر	مُفْعِلٍ	مُعَيِّرٌ
مفرد مذکر	فَعَلٌ-	ز ج ر	فَاعِلٍ	رَاجِرٌ
مفرد مذکر	افتعال	ز ج ر	مُفْتَعِلٍ	مُرْدَجِرٌ
مفرد مذکر	فَعَلٍ-	ک ش ف	فَاعِلٍ	کَاشِفٌ
مفرد مذکر	تفعیل	ق ل ب	مُفْعِلٍ	مُقَلِّبٌ
مفرد مذکر	تفعیل	ن و ر	مُفْعِلٍ	مُنَوِّرٌ
مفرد مذکر	تفعیل	ف ر ج	مُفْعِلٍ	مُفْرِجٌ



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش



## مطالعه و پژوهش

■ بررسی کنید چرا لام الفعل ماضی از صیغه ششم به بعد ساکن می باشد؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

جامع المقدمات با حاشیه مدرس، شرح امثله، ج ۱، ص ۲۲.

## پاسخ

اگر لام الفعل در این صیغه‌ها مفتوح باشد، توالی حرکات اربعه لازم می آید (صَرَبَنَ) که در کلام عرب سنگین است؛ از این رو با ساکن کردن لام الفعل این سنگینی را برطرف نمودیم.  
نکته: توالی حرکات اربعه در کلمه واحده یا «الكلمة الواحدة» سنگین است و چون نون در «صَرَبَنَ» فاعل و فاعل به منزله جزء فعل است، پس فاعل با فعل، کالكلمة الواحدة است؛ ولی در مثال «صَرَبَكَ»، «کاف» چون مفعول است و مفعول فضله است و جزء فعل نیست؛ پس با فعل، کالكلمة الواحدة نیست؛ از این رو توالی حرکات اربعه در اینجا بلامانع است.<sup>۱</sup>

۱۷



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانسی و  
مطالعه و  
پژوهش

# چهل و سوم

## پرسش میانه

در آیه «مَحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ وَ الَّذِيْنَ مَعَهُ اَشِدَّاءُ عَلٰى الْكٰفِرِيْنَ...» (فتح ۲۹)، آیا صحیح است بگوییم کلمه «مَحَمَّدٌ» دارای نائب فاعل است؟ چرا؟

## پاسخ

کلمه «مَحَمَّدٌ» در اصل، اسم مفعول از باب تفعیل و دارای ضمیر مستتر «هو» به عنوان نائب فاعل است، اما در آیه مورد بحث چون این کلمه از معنای وصفی تجرید شده و به عنوان اسم علم برای پیامبر ﷺ به کار رفته است؛ لذا در حکم اسم جامد و فاقد ضمیر مرفوعی به عنوان نائب فاعل می باشد.

## پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

- وجه اشتراک اسم فاعل با اسم مفعول: وجه اشتراک: هر دو بر کسی یا چیزی دلالت می کنند.  
وجه افتراق اسم فاعل با اسم مفعول: اسم فاعل، بر کسی یا چیزی دلالت می کند که کاری از او صادر شده یا دارنده حالت غیرثابتی است؛ اما اسم مفعول، بر کسی یا چیزی دلالت می کند که کاری بر او واقع یا حالت غیرثابتی در او محقق شده باشد.
- از کلمات ذیل اسم مفعول بسازید.

اسم مفعول	کلمه	اسم مفعول	کلمه
مُخَاصِم	خَاصِم	مَجْمُوع	جَمَع
مُرْزَل	رَزَل	مَقْتُول	قَتَلَ
مُتَّخِذ	اتَّخَذَ	مُفْرَط	أَفْرَطَ
		مُبَشِّر	بَشَّرَ

۳. اسم مفعول فعل‌های ذیل را با ذکر ترجمه و تعیین ضمیرهای مستتر آنها، صرف کنید.  
حَفِظَ، اسْتَقْبَلَ

کلمه	اسم مفعول	ترجمه	ضمیر مستتر
مذکر	مَحْفُوظًا	یک مرد حفظ شده	هُوَ، أَنْتَ، أَنَا
	مَحْفُوظَانِ	دو مرد حفظ شده	هُمَا، أَنْتُمَا، نَحْنُ
	مَحْفُوظُونَ	مردان حفظ شده	هُمْ، أَنْتُمْ، نَحْنُ
مؤنث	مَحْفُوظَةً	یک زن حفظ شده	هِيَ، أَنْتِ، أَنَا
	مَحْفُوظَاتِنِ	دو زن حفظ شده	هُمَا، أَنْتُمَا، نَحْنُ
	مَحْفُوظَاتٌ	زنان حفظ شده	هُنَّ، أَنْتُنَّ، نَحْنُ

کلمه	اسم مفعول	ترجمه	ضمیر مستتر
مذکر	مُسْتَقْبَلٌ	یک مرد پذیرایی شده	هُوَ، أَنْتَ، أَنَا
	مُسْتَقْبَلَانِ	دو مرد پذیرایی شده	هُمَا، أَنْتُمَا، نَحْنُ
	مُسْتَقْبَلُونَ	مردان پذیرایی شده	هُمْ، أَنْتُمْ، نَحْنُ
مؤنث	مُسْتَقْبَلَةٌ	یک زن پذیرایی شده	هِيَ، أَنْتِ، أَنَا
	مُسْتَقْبَلَاتِنِ	دو زن پذیرایی شده	هُمَا، أَنْتُمَا، نَحْنُ
	مُسْتَقْبَلَاتٌ	زنان پذیرایی شده	هُنَّ، أَنْتُنَّ، نَحْنُ

۴. آیا فعل لازم اسم مفعول دارد؟ خیر. فعل لازم چون مفعول ندارد؛ اسم مفعول هم نخواهد داشت؛ مگر اینکه ابتدا فعل لازم با حروف جرّ متعدّی شود، سپس از آن اسم مفعول ساخته شود.  
۵. چهارده صیغه اسم مفعول فعل «أَذِنَ لَ» را بنویسید.

مَأْذُونٌ لَهُ مَأْذُونٌ لَهُمَا مَأْذُونٌ لَهُمْ مَأْذُونٌ لَهَا مَأْذُونٌ لَهُمَا مَأْذُونٌ لِهِنَّ  
مَأْذُونٌ لَكَ مَأْذُونٌ لَكُمَا مَأْذُونٌ لَكُمْ مَأْذُونٌ لِكِ مَأْذُونٌ لَكُمَا مَأْذُونٌ لَكُنَّ  
مَأْذُونٌ لِي مَأْذُونٌ لَنَا



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

ب با مراجعه به کتاب، اسم فاعل و اسم مفعول آیات و روایت را مشخص کرده، باب، وزن و ریشه آنها را بنویسید.

ریشه	وزن	باب	اسم فاعل اسم مفعول	کلمه
س ب ق	فَاعِلُونَ	فَعَلَ =	اسم فاعل	السَّابِقُونَ
ق ر ب	مُفَعَّلُونَ	تفعیل	اسم مفعول	الْمُقَرَّبُونَ
ق ط ع	مَفْعُولَةٌ	فَعَلَ =	اسم مفعول	مَقْطُوعَةٌ
م ن ع	مَفْعُولَةٌ	فَعَلَ =	اسم مفعول	مَمْنُوعَةٌ
غ ل ل	مَفْعُولَةٌ	فَعَلَ =	اسم مفعول	مَغْلُوبَةٌ
ل و م	مَفْعُولٌ	فَعَلَ =	اسم مفعول	مَلُومًا
ح س ر	مَفْعُولٌ	فَعَلَ =	اسم مفعول	مَحْسُورًا
ش ب ه	مُفَعَّلَاتٌ	تفعیل	اسم مفعول	الْمُسَبَّهَاتِ
ه ل ک	مُفَعَّلَاتٌ	إفعال	اسم فاعل	الْمُهْلِكَاتُ

### مطالعه و پژوهش

■ با مراجعه به منابع ذیل، وزن‌های جدیدی را ذکر کنید که سماعاً به معنی اسم مفعول به کار می‌روند.

■ منبع مطالعه و پژوهش:

صرف کاربرد، عبدالرسول کشمیری، ج ۲، ص ۱۴۹

صرف ساده، ویرایش ۱۳۹۳، ص ۲۲۱

### پاسخ

وزن‌های جدیدی که سماعاً به معنای اسم مفعول به کار رفته اند:

۱. فَعُول، مانند: «رَسُول» به معنای «مُرْسَل».

۲. فِعَال، مانند: «إِلَه» به معنای «مَالُوه» (معبود) و مانند: «کتاب» به معنای «مکتوب».

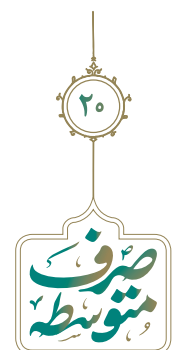
۳. فُعَالَةٌ، مانند: «نُخَالَةٌ» به معنای «مَنْخُول»، در المنجد آمده است:

نَخَلَ الدَّقِيقَ: آرد را غربال کرد و نَخَلَ الشَّيْءَ: آن را برگزید و پاک کرد.

۴. فُعْلٌ، مانند: «نُكْرٌ» به معنای «مُنْكَر».

۵. أَفْعُولَةٌ، مانند: «أَضْحِيَّة» به معنای «چهار پای قربانی و ذبح شده» (یعنی به معنای «مذبوح»).

«أَضْحِيَّة» در اصل «أَضْحَوِيَّة» بوده است که در اثر اجرای ضابطه سوم قلب «واو» به «یاء» که در درس ۵۹



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

ذکر خواهد شد، «واو» به «یاء» تبدیل شده و پس از ادغام دو «یاء» در یکدیگر، ما قبل آنها به خاطر مناسبت با «یاء» مکسور شده است.  
«أُضْحَوِيَّة» پس از اعلال می شود: «أُضْحِيَّة»، پس از ادغام می شود: «أُضْحِيَّة»، پس از کسره ما قبل می شود: «أُضْحِيَّة».

afagh313.ir



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانسی و  
مطالعه و  
پژوهش

## درس چهل و چهارم

### پرسش میانه ۱

به نظر شما حرف «واو» در کلمه «قاوم» در چه صورتی (با داشتن چه معنایی) حتماً باید به همزه تبدیل شود و در چه صورتی باید به حال خود باقی بماند؟

### پاسخ

کلمه «قاوم» در صورتی که اسم فاعل ثلاثی مجرد و به معنای «ایستاده» باشد، باید «واو» در آن به همزه تبدیل شود و به صورت «قائم» درآید، اما در صورتی که این کلمه فعل امر معلوم در صیغه هفتم از باب مفاعله و به معنای «مقاومت کن» باشد، باید به همین صورت باقی بماند؛ زیرا در این صورت این کلمه دیگر اسم فاعل نیست تا قاعده اعلال مخصوص به اسم فاعل در آن اجرا گردد و حتی با فرض اسم فاعل بودن این کلمه باز هم زمینه برای اعلال «واو» در آن فراهم نبود، چون حرف «واو» در فعل اجوف باب مفاعله اعلال نمی شود (قاوَمَ یُقاوِمُ) و پیش تر در متن درس گفته شد که شرط اعلال حرف عله در اسم فاعل، اعلال شدن آن حرف در فعل آن است.

### پرسش میانه ۲

آیا فرقی میان دو کلمه «مَعْنَى» و «مَعْنِي» به لحاظ معنایی وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ آیا راهی برای به کار بردن هر دوی آنها به یک مفهوم واحد وجود دارد؟

### پاسخ

کلمه «مَعْنَى» همان طور که در ابتدای شرح تصریف (جامع المقدمات با حاشیه مدرس، شرح التّصریف، ج ۱، ص ۱۷۳) نیز آمده است، مصدر میمی است و به معنای قصد کردن می باشد، اما کلمه «مَعْنِي»، اسم مفعول و به معنای «آن چیزی است که قصد شده باشد» و در اصل «معنوی» بوده و بر اساس ضابطه سوم قلب «واو» به «یاء» که در درس ۵۹ ذکر آن آمده است، «واو» به «یاء» تبدیل شده و پس از ادغام دو «یاء» در یکدیگر، ماقبل آنها به مناسبت حرف «یاء» مکسور شده است.

«مَعْنُوئِي» پس از اعلال می شود: «مَعْنِيئِي»، پس از ادغام می شود: «مَعْنِيئِي»، پس از کسره ماقبل می شود: «مَعْنِيئِي».

در صورتی که از مصدر میمی اراده اسم مفعول شود، هم معنای با «مَعْنَى» خواهد بود، همان طور که در کتاب شرح تصریف نیز به همان آدرس مذکور اینگونه آمده است:  
و هو (مَعْنَى) فى الأصلِ مصدرٌ مِمِّىٌّ مِنَ الْعِنَايَةِ ثُمَّ نَقِلَ إِلَى مَعْنَى الْمَفْعُولِ وَ هُوَ مَا يُرَادُ مِنَ اللَّفْظِ.

### پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

۱. از فعل های ذیل، اسم فاعل و اسم مفعول بسازید.

فعل	يَسَّرَ	زَارَ	رَضِيَ	وَلِيَ	أَشَارَ	مَدَّ
اسم فاعل	يَاسِرٌ	زَائِرٌ	رَاضِيٌ	وَالِيٌ	مُشِيرٌ	مَادٌ
اسم مفعول	مَيَسَّرُ	مَزُورٌ	مَرَضِيٌّ	مَوْلِيٌّ	مُشَارٌ	مَمْدُودٌ

فعل	اِخْتَارَ	اِسْتَخَارَ	جَازَى	اِسْتَحْيَى
اسم فاعل	مُخْتَارٌ	مُسْتَخِيرٌ	مُجَازٍ	مُسْتَحْيِيٌ
اسم مفعول	مُخْتَارٌ	مُسْتَخَارٌ	مُجَازِيٌّ	مُسْتَحْيِيٌّ

ب) با مراجعه به آیات و روایات کتاب، اسم فاعل و اسم مفعول های سالم و ناسالم را مشخص کرده، در جدول بنویسید و در صورت ناسالم بودن، قاعده جاری شده بر آنها را (در صورتی که قاعده جاری شده باشد) بیان کنید.

اسم فاعل سالم	اسم مفعول سالم
الْمُقْتِرِ	الْمَعْرُوفِ
الذَّاكِرِينَ	الْمُحْسِنِينَ
الصَّادِقِينَ	الْمَلْهُوفِينَ
الْقَادِرِينَ	الْمُنْكَرِ
الْعَالَمِينَ	
التَّارِكِينَ	
الْعَامِلِينَ	



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

اسم فاعل ناسالم	قاعده جاری شده
قَاضٍ وَالِدَةٌ	قَاضِيٌ ← قَاعِدَةٌ ٨ قَاضِيَيْنِ ← قَاعِدَةٌ ٦ قَاضِنٌ ← قَاضٍ
طَائِفٌ	طَائِفٌ ← حَرْفٌ عَلَيْهِ قَلْبٌ بِهِ هَمْزٌ طَائِفٌ
نَائِمُونَ	نَائِمُونَ ← حَرْفٌ عَلَيْهِ قَلْبٌ بِهِ هَمْزٌ نَائِمُونَ
المُوسِعِ	_____
البَّكِيْنَ	_____
المُتَوَكِّلِينَ	_____
هَادِي	_____
المُضِلِّينَ	_____
المُؤْمِنِينَ	_____
مُنْجِي	_____
الْأَمْرِيْنَ	_____
التَّاهِيْنَ	_____
عَالٍ	عَالٍ ← قَاعِدَةٌ ٨ عَالِيُونَ ← قَاعِدَةٌ ٦ عَالِنٌ ← عَالٍ
عَالٍ	عَالٍ ← قَاعِدَةٌ ٨ عَالِيُونَ ← قَاعِدَةٌ ٦ عَالِنٌ ← عَالٍ

اسم مفعول ناسالم	قاعده جاری شده
مَوْلُودٌ	_____



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

کلیه حقوق این اثر مربوط به بنیاد بین المللی آفاق است و هرگونه کپی برداری و استفاده رایگان شرعاً حرام است

جهت تهیه این محصول به سایت زیر مراجعه نمایید

afagh۳۱۳.ir



## مطالعه و پژوهش

■ با مراجعه به منابع ذیل حداقل پنج فعل اجوف غیر از «عَوَر» را در ثلاثی مجرد نام ببرید که حرف عله در آنها اعلال نمی شود و به تبع آن در اسم فاعل آنها نیز حرف عله به همزه تبدیل نمی گردد.

■ منبع مطالعه و پژوهش:

صرف ساده، ویرایش ۱۳۹۳، ص ۱۱۵

علوم العربیة، ص ۳۱۸

### پاسخ

برخی از فعل های اجوف دیگر غیر از «عَوَر» که حرف عله در آنها و اسم فاعل آنها اعلال نمی شود:

۱. حَوَّلَ : چشمش از مرکز اصلی خود خارج شد، لوچ شد؛

۲. غَيَّدَ : گردنش کج شد؛

۳. هَيَّفَ : شکمش جمع و کمرش باریک شد؛

۴. قَوَّدَ الفرسُ : پشت و گردن اسب دراز شد؛

۵. صَيَّدَ : سرکشی کرد؛

۶. أَيَسَّ : نا امید شد.

# درس چهل و پنجم

## پرسش میانه ۱

به نظر شما کدام یک درست است؟  
صفت مشبَّهه (به تشدید و فتحه حرف باء) یا صفت مشبَّهة (به تخفیف و کسره باء)  
یا هر دو، هریک به اعتباری؟

### پاسخ

هر دو تعبیر صحیح است، با این تفاوت که وقتی می‌گوییم: صفت مشبَّهه (به تشدید «باء» و فتحه آن)، این کلمه با حرف «باء» متعدی می‌گردد و لذا می‌گوییم: «صَفَةُ مَشْبَّهَةٌ بِاسْمِ الْفَاعِلِ»؛ اما وقتی می‌گوییم صفت مشبَّهة (به تخفیف و کسره «باء»)، این کلمه متعدی به نفسه است و لذا حرف جز «باء» بر سر مفعول آن در نمی‌آید و تنها می‌توان به خاطر ضعف اسم فاعل در عمل، بر سر مفعول آن لام تقویت را داخل کرد و لذا می‌گوییم: «صَفَةُ مَشْبَّهَةٌ لِاسْمِ الْفَاعِلِ».

برای توضیح بیشتر درباره لام تقویت می‌توانید به کتاب مغنی الأديب، باب اول، بحث لام مفرده، ذیل معنای بیست و یکم از معانی لام مفرده، رجوع نمایید.

## پرسش میانه ۲

از بین اسم فاعل و صفت مشبَّهه کدام یک به جهت وزن عروضی (ترتیب حرکات و سکانات) با فعل مضارع خود موافقت دارد؟

### پاسخ

اسم فاعل به لحاظ وزن عروضی همیشه با فعل مضارع خود مطابقت دارد، مانند: «ضَارِبٌ وَ يَضْرِبُ» و «مُسْتَخْرِجٌ وَ يَسْتَخْرِجُ» که در هر دو مثال اول به ترتیب ابتدا یک حرکت و سپس یک سکون و بعد از آن دو حرکت به چشم می‌خورد، همان طور که در هر دو مثال دوم ابتدا یک حرکت و سپس یک سکون و بعد از آن یک حرکت و سپس مجدداً یک سکون و بعد از آن دو حرکت وجود دارد، اما صفت مشبَّهه اگر بر وزن اسم فاعل باشد و از آن اراده ثبوت شده باشد همانند اسم فاعل با فعل مضارع خود در وزن عروضی مطابقت می‌نماید و در غیر این صورت غالباً در

وزن عروضی با فعل مضارع، غیر مطابق می باشد، مانند:  
 «حَسَنٌ وَ يَحْسُنُ» که در اولی سه حرکت پیاپی وجود دارد و در دومی اول یک حرکت و سپس سکون و پس از آن دو حرکت قرار گرفته است.

### پرسش و تمرین

الف) به پرسش های ذیل پاسخ دهید.

- تعریف صفت مشبیه: صفت مشبیه، کلمه ای است که بر شخص یا چیز دارای صفت ثابت دلالت می کند.  
 فرق صفت مشبیه با اسم فاعل: فرق صفت مشبیه و اسم فاعل در این است که از صفت مشبیه معنای ثبوتی اراده شده است؛ اما از اسم فاعل معنای غیر ثبوتی اراده شده است.
- از فعل های ذیل صفت مشبیه بسازید؛ (با ذکر ترجمه).

فعل	صفت مشبیه	ترجمه	فعل	صفت مشبیه	ترجمه
حَدَرَ	حَدِرٌ	بیمناک	ذَلَّ	ذَلِيلٌ	خوار، حقیر
وَرَعَ	وَرَعٌ	پرهیزگار	غَلَطَ	غَلَطٌ	اشتباه
طَابَ	طَيِّبٌ	پاکیزه	هَنَى	هَنِيئٌ	گریستن و نالیدن
شَرَّفَ	شَرِيفٌ	آبرومند، بزرگوار	عَزَّى	عَزِيْزٌ	گرامی
ظَمِيَ	ظَمَانٌ	تشنه	هَنَأَ	هَنِيءٌ	گوارا

۳. مؤنث صفت مشبیه های ذیل چیست؟

صفت مشبیه	مَرِيضٌ	مَيِّتٌ	أَجْدَمٌ	صَدِيَانٌ	أَخْوَرٌ	مُنْحَنِيٌّ
مؤنث	مَرِيضَةٌ	مَيِّتَةٌ	جَدْمَاءٌ	صَدِيِيٌّ	خَوْرَاءٌ	مُنْحَنِيٌّ

۴. صفات مشبیه ذیل چه وزنی دارند و چه تغییراتی بر آنها عارض شده است؟

صفت مشبیه	وزن	تغییر عارض شده
عَلِيٌّ	فَعِيلٌ	عَلِيُوْ ← عَلِيِي ← عَلِيَّ
قَيِّمٌ	فَعِيْلٌ	قَيِّوْم ← قَيِِّيْم ← قَيِِّيْم
عَفُوٌّ	فَعُوْلٌ	عَفُوُو ← عَفُوُو
حَفِيٌّ	فَعِيْلٌ	حَفِيِي ← حَفِيَّ



پاسخ نامه  
 پرسش های  
 میانی و  
 مطالعه و  
 پژوهش

۵. به جای مصدر، صفت مشبیه قرار دهید.

كِرَامَةُ الرَّجُلِ	←	الرَّجُلُ الْكَرِيمُ	كِرَامَةُ الرَّجُلِ	←	الرَّجُلُ الْكَرِيمُ
حُمْرَةُ الدَّمْعِ	←	الدَّمْعُ الْحَمْرَاءُ	حُمْرَةُ الدَّمْعِ	←	الدَّمْعُ الْحَمْرَاءُ
تَوَاضَعُ الْغَنِيِّ	←	الْغَنِيُّ الْمَتَوَاضِعُ	تَوَاضَعُ الْغَنِيِّ	←	الْغَنِيُّ الْمَتَوَاضِعُ
فَرَحُ الْيَتِيمِ	←	الْيَتِيمُ الْفَرِحُ	فَرَحُ الْيَتِيمِ	←	الْيَتِيمُ الْفَرِحُ
اسْتِجَابَةُ الدَّعَاءِ	←	الدَّعَاءُ الْمُسْتَجَابُ	اسْتِجَابَةُ الدَّعَاءِ	←	الدَّعَاءُ الْمُسْتَجَابُ
فَصَاحَةُ اللِّسَانِ	←	اللِّسَانُ الْفَصِيحُ	فَصَاحَةُ اللِّسَانِ	←	اللِّسَانُ الْفَصِيحُ
ضَخَامَةُ الْجِسْمِ	←	الْجِسْمُ الضَّخِيمُ	ضَخَامَةُ الْجِسْمِ	←	الْجِسْمُ الضَّخِيمُ
عَدَالَةُ الْمَلِكِ	←	الْمَلِكُ الْعَدْلُ	عَدَالَةُ الْمَلِكِ	←	الْمَلِكُ الْعَدْلُ
خُضْرَةُ الطَّرِيقِ	←	الطَّرِيقُ الْخَضِرَاءُ	خُضْرَةُ الطَّرِيقِ	←	الطَّرِيقُ الْخَضِرَاءُ

ب کلمات ذیل از آیات و روایات کتاب‌اند، اسم فاعل و صفت مشبیه را مشخص کرده، وزن هر کدام را بنویسید.

وزن	اسم فاعل یا صفت مشبیه	کلمه	وزن	اسم فاعل یا صفت مشبیه	کلمه
فَعْلُونَ	صفت مشبیه	وَجِلُونَ	مُفْعَلَةٌ	اسم فاعل	مُسْفِرَةٌ
فَاعِلُونَ	اسم فاعل	عَائِقُونَ	فَاعِلَةٌ	اسم فاعل	ضَاحِكَةٌ
فَاعِلَةٌ	اسم فاعل	الْآخِرَةُ	مُسْتَفْعَلَةٌ	اسم فاعل	مُسْتَبْشِرَةٌ
مُفْتَعِلُونَ	اسم فاعل	مُسْتَأْفُونَ	فَعِيلٌ	صفت مشبیه	مَلِيكٌ
مُفَاعِلُونَ	اسم فاعل	مُسَارِعُونَ	مُفْتَعِلٌ	اسم فاعل	مُقْتَدِرٌ
فَاعِلٌ	اسم فاعل	عَاقِلٌ	فَعْلَانٌ	صفت مشبیه	غَضَبَانٌ
فَعِلٌ	صفت مشبیه	فَهْمٌ	فَعِلٌ	صفت مشبیه	أَسْفٌ
فَعِيلٌ	صفت مشبیه	فَقِيهٌ	مُفْتَالٌ	اسم فاعل	مُخْتَالٌ
فَعِيلٌ	صفت مشبیه	حَلِيمٌ	فَعُولٌ	صفت مشبیه	فَخُورٌ
فَعُولٌ	صفت مشبیه	صَبُورٌ	مُفْعِلُونَ	اسم فاعل	الْمُؤْمِنُونَ
فَاعِلٌ	اسم فاعل	صَادِقٌ	مُفْتَعِلُونَ	اسم فاعل	مُتَّهَمُونَ
فَعِيلٌ	صفت مشبیه	وَفِيٌّ	فَاعِلٌ	اسم فاعل	فَارِطٌ



پاسخ‌نامه  
پرسش‌های  
میانی و  
مطالعه و  
پژوهش

## مطالعه و پژوهش

■ طبق نظر بسیاری از نحویان صفت مشبّه تنها از فعل لازم گرفته می شود. بنا بر این نظر، بررسی کنید صفات مشبّه ای که مثل «رحیم» و «علیم» ظاهراً از فعل متعدی گرفته شده اند، چه توجیهی دارند؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

مغنی الفقیه، قسم صرف جامع کاربردی، ۳۴۸-۳۴۹

## پاسخ

بعضی از کسانی که معتقدند صفت مشبّه باید تنها از فعل لازم گرفته شود در خصوص صفات مشبّه ای مانند «رحیم و علیم» می گویند که ابتدا دو فعل «رَحِمَ و عَلِمَ» به باب «فَعَلَ يَفْعُلُ» نقل داده شده اند و چون این باب همیشه لازم است، این دو فعل نیز دارای معنای لازم شده اند و سپس از آنها صفت مشبّه ساخته شده است، بنابراین:

«رَحِمَ» یعنی: تَبَيَّنَتْ فِيهِ صَفَةُ الرَّحْمَةِ و «عَلِمَ» یعنی: تَبَيَّنَتْ فِيهِ صَفَةُ الْعِلْمِ و «رحیم و علیم» یعنی: کسی که در او صفت رحمت و علم ثبوت و تحقق پیدا کرده است.

۲۹



پاسخ نامه  
پرسش های  
میانسی و  
مطالعه و  
پژوهش

# درس چهل و ششم

## پرسش میانه ۱

آیا اسم مبالغه نیز مانند صفت مشبّهه می تواند گاهی به معنای مفعولی به کار رود؟

### پاسخ

اسم مبالغه آن طور که از عبارات برخی از ادبا استفاده می شود، تنها به معنای همان اسم فاعل می آید، لکن همراه با مبالغه در آن، برای آشنایی با تعاریف علماء از اسم مبالغه می توانید به کتاب مغنی الفقیه، قسم صرف جامع کاربردی، ذیل عنوان اسم مبالغه، بخش نصوص، صفحات ۳۸۹، ۳۹۰ و ۳۹۱ رجوع نمایید.

## پرسش میانه ۲

چرا در دو آیه ای که در نکته دوم ذکر شد، اسم تفضیل به معنای اسم فاعل گرفته شد؟ آیا راهی هست که بتوان آن را به همان معنای تفضیل در این دو آیه استعمال کرد؟

### پاسخ

در آیه ۲۷ از سوره روم (هو أهونُ علیه) اشکال شده است که اگر «أهون» در آن، أفعال تفضیل باشد، معنای آیه این طور می شود که خلقت دوباره برای خدا آسان تر از خلقت ابتدایی است و این یعنی خلقت ابتدایی برای خدا دشوارتر است و لذا برخی در مقام پاسخ گفته اند: که «أهون» در اینجا مجرد از معنای تفضیل و به معنای «ساده و آسان» می باشد نه «ساده تر و آسان تر»؛ همچنین در آیه ۱۲۴ از سوره انعام (اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ) گفته شده با فرض اینکه بخواهیم «حیث» را ظرف مکان بگیریم و «أَعْلَمُ» را فعل تفضیل بگیریم، معنای آیه این طور می شود که خدا در آن مکانی که رسالت خود را در آن مکان قرار می دهد، دارای علم بیشتری است و لازمه این حرف این است که در غیر آن مکان دارای علم کمتری باشد و لذا بعضی برای رفع این اشکال خواسته اند بگویند که «أَعْلَمُ» در اینجا به معنای «عالم» است و مجرد از معنای تفضیل است و معنا اینگونه می باشد: «خدا در آن مکانی که رسالت خود را در آنجا قرار می دهد، دارای علم است»؛ یعنی از سر جهل کاری نمی کند. در مورد آیه اول (۲۷ از سوره روم) عده ای در مقام توجیه و ابقاء معنای تفضیل در کلمه «أهون» بر آمده اند از جمله اینکه بعضی گفته اند: ضمیر «ه» در «علیه» به مخلوق باز می گردد؛ یعنی «خلقت دوباره چیزی برای مخلوق ساده تر است تا خلقت اولیه آن» برای آگاهی از اقوال و توجیهات دیگر و همچنین نظر علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان در